

با سلام و خدا قوت خدمت آقای شهبازی و دوستان گنج حضور

تو ز طفلی چون سببها دیده‌یی  
در سبب از جهل بر چفسیده‌یی  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۳

مولانا می‌گوید: ما در بچگی یاد می‌گیریم که چه چیزی سبب چه چیزی می‌شود، بنابراین فکر می‌کنیم که مثلا زنده شدن به خدا هم سبب دارد یا اینکه اگر بخواهیم از هوشیاری جسمی برویم به هشیاری حضور این هم سبب دارد و این سبب را ذهن ما هم می‌تواند نشان دهد. مثال دیگری که می‌توانیم بزنیم این است که برویم یک کار خیر بکنیم و یک مدرسه بسازیم و این کار باعث می‌شود به خدا زنده بشویم، در حالی که این سببی را که ذهن نشان می‌دهد نمی‌تواند ما را به خدا برساند، بلکه فقط خدا می‌تواند ما را به ابدیت و بی‌نهایتش زنده کند، بنابراین در رفتن به دنبال سببها او به اصطلاح کمک می‌کند. گاهی اوقات ما دنبال سبب می‌گوییم این برنامه مفید است و در طول این برنامه پیغام‌هایی از کسانی یا خود آقای شهبازی می‌شنویم و در لا به لای آن سببها زندگی پیغامش را به ما می‌دهد ولی آن سببهای ذهنی نیست، نباید فکر کنیم که چون این کار را کردیم به زندگی زنده شدیم آن موقع درون ذهن زندانی می‌شویم.

با سببها از مسبب غافل  
سوی این روپوش ها زان مایلی  
-مثنوی، معنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۴  
می‌گوید: با اینکه ما می‌دانیم چه چیزی سبب چه چیزی می‌شود، در ذهنمان از مسبب یعنی زندگی غافل هستیم و این سببهای ذهنی روپوش مسبب است. این خیلی مهم است که ما با خواندن این ابیات فهمیدیم که یک مسبب هر لحظه داره رفتار ما را نگاه می‌کند و ما باید رفتارمان را طبق آن تنظیم کنیم و اصرار به سببهای ذهنی نکنیم.

چون سببها رفت، بر سر می‌زنی  
ربنا و رباها می‌کنی  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۵  
هنگامی که این سببهای ذهنی که در بیرون صورت دارند می‌روند به طور مثال شخصی قرار بوده که کاری برای ما انجام دهد و آن از زندگی مان می‌رود، یعنی سبب رفت و خیلی از وضعیت‌ها به هم می‌ریزد و اگر آن وضعیت‌ها به هم بریزد ما به آرزوهایمان نمی‌رسیم و در نتیجه خدایا خدایا می‌کنیم.

رب می‌گوید: برو سوی سبب  
چون ز صنعم یاد کردی؟ ای عجب!  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۶

وقتی ربنا می‌کنیم و می‌گوییم خدا کمک کن و شاید در آن موقع فضا را باز می‌کنیم و تسلیم می‌شویم، می‌فهمیم که از طریق مسبب کاری نتوانستیم بکنیم. ما خیلی فن می‌زنیم مثلا از همسرمان زندگی بگیریم یا مثلا از متعلقات مانند خانه، ماشینمان یا آن چهار مرغی که مولانا گفت: مرغ، خروس، طاووس و زاغ، ما با اینها رشد می‌کنیم، ولی سرخورده می‌شویم و پر از درد می‌شویم و گاهی همه آنها با هم می‌ریزد و آن موقع ما ربنا ربنا می‌کنیم و خدا میگه برو سوی سبب مکه نمی‌خواستی به تو کمک کند؟ چطور شده که الان یاد صنع من افتادی؟ می‌خواهی که من کمک کنم، عجب که یادت افتاد که من هم هستم.

گفت: زین پس من تو را بینم همه گوید خوانده می‌شود  
ننگرم سوی سبب و آن دمدمه  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۷

ما به خدا می‌گوییم که از این به بعد که فضاگشایی کنم و تو را همه بدونم و به دمدمه‌های من ذهنی‌ام که مدام شکایت و قضاوت می‌کند گوش نکنم.

گویدش: ردوا لعادوا، کار تست  
ای تو اندر توبه و میثاق، سست  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۸  
ردوا لعادوا، یعنی به صورت عملی می‌گوید اگر کارت را درست کنم دوباره برمی‌گردد همان کار را انجام می‌دهی، تو در توبه یعنی برگشت و تعهد به من که مرکزت را عدم نگره داری و همیشه عذرخواهی کنی و از عقل من ذهنی‌ات استفاده نکنی، بسیار سست هستی. این بیت مهم است و ما باید نگاهی به میثاقمان با خدا بکنیم که آیا این لحظه ما فضا را باز می‌کنیم؟ مرکزمان از جنس عدم می‌شود؟ یا وقتی کارها سخت می‌شود ما چند وقتی فضاگشایی می‌کنیم بعد که کارهایمان درست شد، یعنی کار همانندگی‌ها درست شد، دوباره به همان روش سببها و این که من هستم و خودم سببها را درست می‌کنم و من می‌دانم چه جوری با سببها موفق بشوم، خلاصه زمینه زندگی و وصل شدن به خداوند و گرفتن خرد او را کنار می‌گذاریم کدام یکی است؟

لیک من آن ننگرم رحمت کنم  
رحمتم پرست، بر رحمت تنم  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۵۹

خدا می گوید که من به آن کارهای تو نگاه نمی کنم و من دائما به تو لطف می کنم، برای اینکه رحمت عام من پر است و همیشه لطف و رحمت دارم، بنابراین ما می دانیم که این ما هستیم که غافل از استفاده از خرد و آرامش زندگی هستیم و به جای آن با مقاومت به اتفاق این لحظه از عقل و سیستم سبب سازی خودمان استفاده می کنیم ولی او همیشه حاضر است و به ما کمک می کند حتی اگر چند بار از این اشتباهات انجام داده ایم.  
ما متوجه شدیم که هر موقع ما فضاگشایی کنیم و بگذاریم از آن فضای گشوده خرد و برکت زندگی بیاید، می گوید رحمت و لطف خدا شامل حال ما می شود.

ننگرم عهد بدت بدهم عطا  
از کرم این دم چو می خوانی مرا  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۱۶۰

پس بیایم به این لحظه من به عهدهای بد تو نگاه نمی کنم و اگر این لحظه با فضاگشایی من را بخوانی، من تو را کمک می کنم.  
با تشکر از زحمات آقای شهبازی و دوستان  
علی رضا از تهران